

تعویق مذاکرات ایران و آمریکا در سوئیس!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

در حالی که قرار بود این تفاهم‌نامه امروز جمعه نوزدهم ژوئن ۲۰۲۶، به‌صورت رسمی در سوئیس امضاء شود، پیش از موعد مقرر و به‌صورت غیرحضور، به امضای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، و مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، رسید. این تفاهم‌نامه راه را برای دستیابی به «توافق نهایی» طرف «حداکثر ۶۰ روز، با امکان تمدید در صورت توافق دو طرف» هموار می‌کند.

کاخ سفید علت تعویق را «مسائل تدارکاتی» عنوان کرده و در پی آن، سفر جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا، به سوئیس نیز لغو شد. اما هم‌زمانی این تصمیم با تشدید دوباره درگیری‌ها در لبنان، گمانه‌زنی‌هایی را درباره ارتباط این دو رویداد به وجود آورد. بر اساس متن توافق اولیه ایران و آمریکا، آتش‌بس باید در همه جبهه‌ها، از جمله لبنان، برقرار شود و راه را برای آغاز مذاکرات درباره برنامه هسته‌ای ایران هموار کند. اما تشدید درگیری‌ها در لبنان، آینده این روند را با ابهام روبه‌رو کرده است.



تفاهم‌نامه میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران - روز پنج‌شنبه ۱۸ ژوئن ۲۰۲۶ امضاء شد

اما قبل از این که وارد بحث اصلی شویم در ابتدا باید این موضوع را روشن کنیم که «تفاهم‌نامه» ایران و آمریکا چه تفاوتی با «توافق‌نامه» یا «معاهده» دارد و به چه سرنوشتی می‌تواند دچار شود؟

مقامات حکومت‌های ایران و آمریکا و همچنین رسانه‌های مختلف در ۲۴ ساعت گذشته از تبادل پیش‌نویس یک تفاهم‌نامه میان تهران و واشنگتن خبر داده‌اند؛ تفاهم‌نامه‌ای که گفته شده با میانجی‌گری پاکستان و قطر تنظیم شده و ایران و ایالات متحده در حال اصلاح بندهای مورد اختلاف آن هستند.

یادداشت تفاهم، بیش‌تر یک سند سیاسی است تا یک قرارداد حقوقی سخت‌گیرانه. دولت‌ها معمولاً زمانی سراغ چنین سندی می‌روند که می‌خواهند نشان دهند بر سر اصول کلی یا مسیر مذاکرات به درک مشترکی رسیده‌اند، اما هنوز آماده پذیرش تعهدات کامل و قابل پیگیری حقوقی نیستند. به همین دلیل، تفاهم‌نامه‌ها اغلب مقدمه‌ای برای مذاکرات بعدی‌اند؛ یعنی سندی برای اعتمادسازی، کاهش تنش یا مشخص کردن چارچوب گفت‌وگوها. در بسیاری از موارد هم اگر شرایط سیاسی تغییر کند، عملاً کنار گذاشته می‌شوند بدون اینکه پیامد حقوقی جدی داشته باشند.

ناگفته نماند که در نظام حقوق بین‌الملل، عنوان یک سند هرگز تعیین‌کننده ماهیت آن نیست؛ بلکه این محتوا، زبان نگارش و قصد واقعی طرفین است که مشخص می‌کند یک سند الزام‌آور است یا خیر.

برخلاف تفاهم‌نامه که معمولاً سندی غیرالزام‌آور و انعطاف‌پذیر محسوب می‌شود، «معاهده» یا Treaty رسمی‌ترین و محکم‌ترین نوع توافق میان کشورهاست. معاهده‌ها تعهد حقوقی روشن ایجاد می‌کنند و کشورها موظف‌اند طبق اصل «وفای به عهد» آن‌ها را اجرا کنند. اگر یکی از طرف‌ها تعهداتش را نقض کند، طرف مقابل می‌تواند موضوع را از مسیرهای حقوقی بین‌المللی پیگیری کند. تفاوت اساسی دیگر در اتاق‌های پارلمان رقم می‌خورد؛ تفاهم‌نامه‌ها معمولاً با امضای وزرا یا روسای دولت‌ها نافذ می‌شوند، اما معاهدات بدون عبور از هفت‌خوان تشریفات داخلی و تصویب مجالس قانون‌گذاری، اعتباری ندارند.

«توافق‌نامه» یا Agreement نیز حکم سندی را دارد که نسبت به معاهده از تشریفات دیپلماتیک کمتری برخوردار است اما همچنان ماهیتی حقوقی و الزام‌آور دارد. توافق‌نامه‌ها معمولاً برای موضوعات فنی، اجرایی، اقتصادی یا همکاری‌های کوتاه‌مدت‌تر میان دولت‌ها امضا می‌شوند و هرچند لزوماً به اندازه یک معاهده نیازمند تصویب در پارلمان نیستند، اما همچنان طرفین را از نظر حقوقی مقید و متعهد نگه می‌دارند.

«پیمان» یا Pact هم اغلب در موضوعات کلان و استراتژیک، به ویژه در حوزه‌های امنیتی، دفاعی و نظامی به کار می‌رود؛ پیمان‌ها در واقع نوعی معاهده هم‌پیمانی به شمار می‌روند که هدفشان ایجاد یک چتر حمایتی یا دفاع مشترک است و نقض آن‌ها می‌تواند به معنای گسست کامل روابط استراتژیک دو کشور باشد. در پایین‌ترین سطح هم «بیانیه مشترک» قرار می‌گیرد؛ متنی که بیشتر برای اعلام مواضع سیاسی یا رسانه‌ای منتشر می‌شود و معمولاً تعهد اجرایی مشخصی در آن وجود ندارد.

تجربه‌های تاریخی پیشین هم نشان داده تفاهم‌نامه‌ها تا چه اندازه به اراده سیاسی دولت‌ها وابسته‌اند. یکی نمونه معروف، «بیانیه سنگاپور» است که پس از ماه‌ها لفاظی‌های تند و تهدیدهای نظامی، میان دونالد ترامپ و کیم جونگ اون در سال ۲۰۱۸ به امضا رسید.

این سند در واقع یک یادداشت تفاهم مقدماتی و کلی برای ترسیم نقشه راه عاری‌سازی شبه‌جزیره کره از سلاح‌های هسته‌ای بود که بدون طی کردن تشریفات پارلمانی و به سرعت تنظیم شد. سرنوشت این تفاهم‌نامه به خوبی ماهیت شکننده چنین اسنادی را بر ملا کرد؛ چرا که به دلیل عدم ورود به جزئیات اجرایی سخت‌گیرانه، فقدان سازوکارهای راستی‌آزمایی حقوقی و انکای بیش از حد به اراده سیاسی رهبران وقت، با تغییر شرایط سیاسی و بروز اختلاف بر سر نحوه کاهش تحریم‌ها در عمل به بن‌بست رسید و بدون دستاورد ملموسی به تاریخ پیوست.

نمونه تاریخی دیگر، «یادداشت تفاهم بوداپست» است که در سال ۱۹۹۴ امضا شد. در این سند، اوکراین که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی صاحب سومین انبار بزرگ تسلیحات هسته‌ای در جهان بود، پذیرفت که در ازای دریافت تضمین‌های امنیتی، تمام کلاهک‌های هسته‌ای خود را واگذار کند. این تفاهم‌نامه به امضای سران اوکراین، ایالات متحده، بریتانیا و روسیه رسید و در آن به صراحت بر احترام به استقلال، حاکمیت ملی و مرزهای موجود اوکراین تأکید شد.

اما روسیه در سال ۲۰۱۴ شبه‌جزیره کریمه را اشغال کرد و سپس در سال ۲۰۲۲ تهاجم گسترده‌ای را علیه اوکراین آغاز کرد. از آنجا که سند بوداپست یک «یادداشت تفاهم» غیرالزام‌آور بود و نه یک معاهده دفاعی مشترک و مصوب در مجالس کشورها، واشنگتن و لندن خود را از نظر حقوق بین‌الملل مکلف به ورود نظامی مستقیم برای دفاع از مرزهای اوکراین ندیدند.

اکنون در روابط پرتنش و پیچیده تهران و واشنگتن، تفاهم‌نامه می‌تواند راه فراری از بن‌بست‌های دیپلماتیک باشد؛ چرا که می‌تواند برای هر دو طرف ابزاری برای حفظ «ابهام سازنده» (پرهیز از افشای جزئیات عملیاتی) فراهم کند؛ نه آن قدر سخت و الزام‌آور که شکستش بحرانی حقوقی جدید بیافریند و نه آن قدر بی‌اهمیت که وزن سیاسی نداشته باشد. هم‌چنین، تفاهم‌نامه می‌تواند به هر دو طرف اجازه دهد که بدون دادن تعهد سفت و سختی به افکار عمومی کشور خود نشان دهند که در سایه آتش‌بس موقت، فرمان دیپلماسی را هم‌چنان در دست دارند.

با این حساب، امضای احتمالی این سند میان ایران و آمریکا را نباید به معنای حل نهایی اختلافات دیرینه دانست. این توافق، صرفاً یک مسکن موقت برای فروکش کردن تنش‌ها، تعیین زمین بازی در مذاکرات بعدی و برقراری یک آتش‌بس سیاسی است.

لغو ناگهانی مذاکرات آمریکا و ایران در ژنو

مذاکرات فنی ایران و آمریکا که قرار بود روز جمعه ۱۹ ژوئن ۲۰۲۶-۲۹ خرداد ۱۴۰۵، در اقامتگاه کوهستانی بورگن اشتوک سوئیس برگزار شود، به‌طور ناگهانی و ابهام‌آمیزی به تعویق افتاد؛ تحولی که تنها دو روز پس از امضای توافق ۱۴ بندی میان تهران و واشنگتن، چشم‌انداز تبدیل آتش‌بس شکننده به یک توافق پایدار را با ابهام جدی روبه‌رو کرده است.

وزارت خارجه سوئیس، اعلام کرد گفت‌وگوهای برنامه‌ریزی‌شده میان هیات‌های ایرانی و آمریکایی در روز جمعه برگزار نخواهد شد، اما برن هم‌چنان آماده تسهیل مذاکرات است و کارهای مقدماتی در بورگن اشتوک ادامه دارد. هم‌زمان جی‌دی ونس، معاون رییس‌جمهور آمریکا و مذاکره‌کننده ارشد واشنگتن در این مرحله، سفر خود به سوئیس را لغو کرد. کاخ سفید دلیل رسمی این تصمیم را دشواری‌های تدارکاتی خواند و گفت «لجستیک این مذاکرات هرگز ساده یا قابل پیش‌بینی نبوده است.»

اما تعویق نشست، فقط یک مسئله تدارکاتی نیست. در تهران، منابع نزدیک به روند مذاکرات گفته بودند هیات ایرانی پیش از آغاز گفت‌وگوهای فنی، می‌خواهد نشانه‌های عملی از اجرای توافق موقت از سوی آمریکا ببیند. ایران هم‌چنین پیش‌تر با برگزاری مراسم تازه امضا در سوئیس مخالفت کرده و گفته بود پس از امضای دیجیتال توافق توسط رؤسای‌جمهور دو کشور، چنین مراسمی ضرورتی ندارد. همین اختلاف درباره شکل و زمان اجرای توافق، از همان ابتدا نشان می‌داد مرحله پس از امضاء دشوارتر از اعلام سیاسی توافق خواهد بود.

توافق موقت ایران و آمریکا قرار بود آتش‌بس شکننده را دست‌کم برای ۶۰ روز تمدید کند و در همین دوره، طرفین درباره مسائل اصلی، از جمله برنامه هسته‌ای ایران، تحریم‌ها، دارایی‌های مسدودشده، بازسازی پس از جنگ و ترتیبات امنیتی منطقه‌ای مذاکره کنند. اما تعویق نخستین نشست فنی نشان می‌دهد حتی آغاز این روند نیز بدون تنش و بی‌اعتمادی ممکن نیست.

لبنان مهم‌ترین نقطه بحرانی توافق است. اسرائیل، که در مذاکرات ایران و آمریکا حضور نداشت، خود را به توافق ملزم نمی‌داند و جنگ علیه حزب‌الله را ادامه داده است. اکنون در این مورد، تضاد آشکاری بین ترامپ و نتان‌یاهاو پیش آمده است. حیرت‌انگیزتر از آن، آمریکا، پیشنهاد جمهوری اسلامی را مبنی بر این که

مسئله جنگ لبنان و اسرائیل هم در مذاکرات طرفین مدنظر قرار گیرد پیدرپه است. اما اسرائیل به درخواست ترامپ، مبنی بر قطع جنگ علیه لبنان را نه تنها رد کرده است، بلکه حتی حملات خود به لبنان را افزایش داده است.

از سوی دیگر، رهبر جدید جمهوری اسلامی، مجتبی خامنه‌ای، در پیامی تازه گفته است ترامپ توافق را علی‌رغم نظر دیگری که دارد امضاء کرده و هشدار داده است مذاکرات پیش رو آسان نخواهد بود. او تاکید کرده است اگر طرف آمریکایی بخواهد بیش از حد مطالبه‌گر باشد، ایران آن را نخواهد پذیرفت. شورای عالی امنیت ملی ایران نیز اعلام کرده است در برابر هرگونه نقض توافق از سوی «طرف غیرقابل اعتماد آمریکایی» پاسخ متقابل خواهد داد و تا تامین کامل حقوق ایران «هیچ اغمازی» نشان نخواهد داد.

در واشنگتن نیز موقعیت ترامپ آسان نیست. بخشی از متحدان جمهوری خواه او می‌گویند رییس‌جمهور آمریکا برای پایان دادن به جنگ امتیازهای زیادی به ایران داده است و آن‌ها را پنهان می‌کند. ترامپ در آغاز جنگ وعده «تسلیم بی‌قید و شرط» ایران را داده بود، اما توافق امضاء شده شامل کاهش تحریم‌ها، آزادسازی ده‌ها میلیارد دلار دارایی ایران، معافیت فوری برای صادرات نفت و ایجاد صندوق ۳۰۰ میلیارد دلاری بازسازی است. این در حالی است که اهداف اعلام‌شده ترامپ در آغاز جنگ، از نابودی کامل توان هسته‌ای و موشکی ایران تا پایان دادن به نفوذ منطقه‌ای تهران، تحقق نیافته است.

بر اساس متن توافق، ایران بار دیگر تعهد کرده است به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نرود و پذیرفته ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را در داخل کشور و زیر نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رقیق‌سازی کند. اما تهران درخواست ترامپ برای خارج کردن این مواد از ایران را رد کرده است. واشنگتن می‌گوید در مذاکرات بعدی هم‌چنان به دنبال محدود کردن موشک‌های دوربرد ایران خواهد بود، اما ایران از هم‌اکنون نشان داده است در برابر خواسته‌های فراتر از چارچوب توافق مقاومت خواهد کرد.

حالا تعویق مذاکرات سوئیس بلافاصله بر بازار نفت نیز اثر گذاشت. پس از امضای توافق و آغاز حرکت دوباره نفتکش‌ها از تنگه هرمز، قیمت نفت کاهش یافته بود. اما با لغو نشست بورگن اشتوک و تشدید حملات اسرائیل در لبنان، قیمت‌ها بار دیگر بالا رفت. بازار جهانی انرژی هم‌چنان منتظر نشانه‌های قطعی از عادی شدن عبور نفتکش‌ها از هرمز است؛ آبراهی که پیش از جنگ مسیر عبور حدود یک‌پنجم نفت و گاز مایع جهان بود.

توافق ایران و آمریکا اگر دوام بیاورد، می‌تواند بیش از ۸۵ میلیون بشکه نفت گرفتار در خلیج فارس را وارد بازار کند و با رفع تدریجی محدودیت‌های نفتی ایران، عرضه جهانی را افزایش دهد. اما اگر مذاکرات متوقف شود یا لبنان به نقطه انفجار تازه تبدیل شود، همان تنگه هرمز که ترامپ برای بازگشایی آن به توافق تن داد، دوباره می‌تواند به اهرم اصلی بحران تبدیل شود.

هزینه جنگ نیز به موضوعی فزاینده در واشنگتن تبدیل شده است. گزارش‌ها می‌گویند وزارت دفاع آمریکا برای پوشش هزینه‌های جنگ و برخی هزینه‌های دیگر، ۸۰ میلیارد دلار بودجه اضافه از قانون‌گذاران خواسته است. این رقم، در کنار نزدیک شدن انتخابات میان‌دوره‌ای و نارضایتی عمومی از جنگ، فشار سیاسی بر ترامپ را افزایش داده است.

به این ترتیب، تعویق مذاکرات سوئیس نخستین هشدار جدی درباره شکنندگی توافق ایران و آمریکا است. توافقی که قرار بود جنگ را متوقف کند، هنوز با سه مانع اصلی روبه‌روست: بی‌اعتمادی عمیق تهران و واشنگتن، مخالفت و عملیات مستقل اسرائیل در لبنان، و فشار داخلی بر ترامپ از سوی جمهوری خواهان جنگ‌طلب.

متن تفاهم‌نامه که کاخ سفید منتشر کرده است

در زیر آن چه کاخ سفید عصر چهارشنبه به وقت شرق آمریکا از نسخه کامل تفاهم‌نامه میان آمریکا و ایران امضاء شده منتشر کرد و در برخی رسانه‌ها منتشر شده است.

ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران و متحدان آن‌ها در جنگ جاری، با امضای این تفاهم‌نامه، پایان فوری و دائمی عملیات نظامی در همه جبهه‌ها، از جمله لبنان، را اعلام می‌کنند و متعهد می‌شوند از این پس هیچ جنگ یا عملیات نظامی علیه یکدیگر آغاز نکنند، از تهدید یا استفاده از زور علیه یکدیگر خودداری کنند و تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان را تضمین کنند.

توافق نهایی، پایان دائمی جنگ در همه جبهه‌ها از جمله لبنان و سایر مفاد این بند را تأیید خواهد کرد.

بند دوم

ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران متعهد می‌شوند به حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر احترام بگذارند و از دخالت در امور داخلی یکدیگر خودداری کنند.

بند سوم

ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران متعهد می‌شوند حداکثر ظرف ۶۰ روز درباره توافق نهایی مذاکره کرده و به آن دست یابند. این مهلت با رضایت متقابل قابل تمدید است.

بند چهارم

بلافاصله پس از امضای این تفاهم‌نامه، ایالات متحده آمریکا روند رفع محاصره دریایی و هرگونه مزاحمت یا مانع علیه جمهوری اسلامی ایران را آغاز خواهد کرد و ظرف ۳۰ روز به‌طور کامل به محاصره دریایی پایان خواهد داد.

در این دوره، تردد کشتی‌ها متناسب با میزان بازگشت ترافیک دریایی به سطح پیش از جنگ که از سوی جمهوری اسلامی ایران برقرار می‌شود، خواهد بود. ایالات متحده آمریکا همچنین متعهد می‌شود ظرف ۳۰ روز پس از توافق نهایی، نیروهای خود را از مجاورت جمهوری اسلامی ایران خارج کند.

توضیح مقام آمریکایی:

مقصود این بند آن است که ظرف ۳۰ روز پس از توافق نهایی، در صورتی که به توافق نهایی برسیم، آرایش نیروهای آمریکا در منطقه به وضعیت پیش از آغاز درگیری‌ها بازگردد. این همان چیزی است که این بند در عمل پیش‌بینی می‌کند.

بند پنجم

با امضای این تفاهم‌نامه، جمهوری اسلامی ایران با به کارگیری حداکثر تلاش خود، عبور ایمن کشتی‌های تجاری را بدون دریافت هیچ گونه عوارض یا هزینه، به مدت ۶۰ روز در مسیر خلیج فارس به دریای عمان و بالعکس تضمین خواهد کرد.

تردد کشتی‌های تجاری بلافاصله آغاز خواهد شد، با در نظر گرفتن ضرورت رفع موانع فنی و نظامی و اجرای عملیات مین روبی توسط جمهوری اسلامی ایران که ظرف ۳۰ روز انجام خواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران با پادشاهی عمان گفت‌وگو خواهد کرد تا درباره نحوه اداره آینده و خدمات دریایی تنگه هرمز، با مشارکت دیگر کشورهای ساحلی خلیج فارس و در چارچوب حقوق بین‌الملل و حقوق حاکمیتی کشورهای ساحلی این تنگه، به توافق برسد.

توضیح مقام آمریکایی:

در این بند تاکید شده است که عبور کشتی‌های تجاری بدون دریافت عوارض خواهد بود. همچنین ایران نه فقط با عمان، بلکه با کشورهای خلیج فارس برای تدوین یک توافق بلندمدت درباره تنگه هرمز همکاری خواهد کرد. ممکن است ایران بر حقوق خود تاکید کند، اما کشورهای خلیج فارس هرگز با سازوکاری که شامل دریافت عوارض برای عبور از تنگه هرمز باشد موافقت نخواهند کرد.

بند ششم

ایالات متحده آمریکا متعهد می‌شود با همکاری شرکای منطقه‌ای، یک برنامه نهایی مورد توافق طرفین با حداقل ۳۰۰ میلیارد دلار برای بازسازی و توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تدوین کند.

سازوکار اجرای این برنامه به عنوان بخشی از توافق نهایی، ظرف ۶۰ روز نهایی خواهد شد.

تمام مجوزها، معافیت‌ها و اجازه‌های لازم برای انجام معاملات اولیه مرتبط از سوی ایالات متحده آمریکا صادر خواهد شد.

توضیح مقام آمریکایی:

این بند آمریکا را ملزم نمی‌کند حتی یک دلار به ایران پرداخت کند یا در این صندوق مشارکت مالی داشته باشد. مفهوم آن این است که اگر توافق نهایی حاصل شود و ایران به تعهدات خود عمل کند، آمریکا اجازه خواهد داد که برای مثال امارات متحده عربی در ایران نیروگاه برق احداث کند.

بند هفتم

ایالات متحده آمریکا متعهد می‌شود همه انواع تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران را لغو کند؛ از جمله تحریم‌های مرتبط با قطعنامه‌های شورای امنیت و شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین تمامی تحریم‌های یک جانبه آمریکا، اعم از اولیه و ثانویه.

زمان بندی اجرای این اقدام در چارچوب توافق نهایی تعیین خواهد شد.

دو طرف همچنین اعلام می‌کنند که قصد دارند این موضوع را فوراً در مذاکرات بررسی کنند تا به توافق متقابل برسند.

بند هشتم

جمهوری اسلامی ایران بار دیگر تاکید می‌کند که سلاح هسته‌ای تولید یا خریداری نخواهد کرد.

ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران توافق کرده‌اند درباره نحوه تعیین تکلیف ذخایر مواد غنی شده ایران، مطابق سازوکاری که در آینده مورد توافق قرار خواهد گرفت، تصمیم‌گیری کنند.

حداقل اقدام پیش‌بینی شده، رقیق سازی این مواد در داخل ایران تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.

دو طرف همچنین توافق کرده‌اند درباره موضوع غنی‌سازی و سایر مسائل مرتبط با نیازهای هسته‌ای ایران در چارچوبی که در توافق نهایی تعیین خواهد شد، مذاکره کنند.

توافق نهایی، مفاد این بند را تأیید خواهد کرد.

دو کشور تأکید می‌کنند که موضوعات هسته‌ای از اهمیت حیاتی برخوردار است و قصد دارند فوراً برای دستیابی به توافق در این زمینه وارد مذاکره شوند.

توضیح مقام آمریکایی درباره بندهای ۷ و ۸:

نخست این که توافق فقط به گفت‌وگو درباره موضوع هسته‌ای اشاره نکرده است. برخلاف ادعاهای مطرح شده در تبلیغات ایران، موضوع هسته‌ای به طور صریح در این تفاهم نامه آمده است.

دوم این که حداقل استاندارد تعیین شده این است که ذخایر اورانیوم غنی شده از طریق رقیق سازی از بین برود. این کف مطالبات ماست و برای فراتر رفتن از آن تلاش خواهیم کرد، اما همین که ایران با این موضوع موافقت کرده، یک پیروزی بزرگ برای آمریکا محسوب می‌شود.

سوم این که بندهای هفت و هشت به یکدیگر وابسته هستند. لغو تحریم‌ها در بند هفت مستقیماً به حل و فصل موضوع هسته‌ای در بند هشت مرتبط است. هر اندازه ایران در اجرای تعهدات هسته‌ای خود پیشرفت کند، به همان میزان از رفع تحریم‌ها بهره مند خواهد شد.

بندهای نهم و دهم

تا زمان دستیابی به توافق نهایی، دو طرف توافق می‌کنند وضعیت موجود حفظ شود.

جمهوری اسلامی ایران وضعیت فعلی برنامه هسته‌ای خود را حفظ خواهد کرد و ایالات متحده آمریکا هیچ تحریم جدیدی اعمال نخواهد کرد.

همچنین آمریکا متعهد می‌شود بلافاصله پس از امضای این تفاهم‌نامه و تا زمان لغو کامل تحریم‌ها، وزارت دارایی مجوزهای لازم برای صادرات نفت، فرآورده‌های نفتی و مشتقات آن و همچنین تمامی خدمات مرتبط از جمله مبادلات بانکی، بیمه و حمل و نقل را صادر کند.

بند یازدهم

ایالات متحده آمریکا متعهد می‌شود پس از اجرای این تفاهم‌نامه، دسترسی کامل جمهوری اسلامی ایران به دارایی‌ها و منابع مالی مسدود شده یا محدود شده را فراهم کند.

جزئیات مربوط به آزادسازی این دارایی‌ها در جریان مذاکرات تعیین خواهد شد.

آمریکا همچنین متعهد می‌شود تمامی مجوزها و تأییدیه‌های لازم را برای انتقال این دارایی‌ها به حساب‌های مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صادر کند.

توضیح مقام آمریکایی:

آن چه ایران در ابتدا خواهان آن بود، دسترسی به این دارایی‌ها بلافاصله پس از امضای تفاهم‌نامه بود. اما در نهایت پذیرفت که تنها در صورت اجرای تعهدات خود بتواند به بخشی از این دارایی‌ها دسترسی پیدا کند.

اگر ایران به تعهدات خود عمل کند، برای مثال در موضوع هسته‌ای همکاری نشان دهد، بخشی از این دارایی‌های مسدود شده آزاد خواهد شد.

بند دوازدهم

ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران توافق می‌کنند یک سازوکار اجرایی برای نظارت بر اجرای موفق این تفاهم‌نامه و پایبندی به توافق نهایی ایجاد شود.

بند سیزدهم

پس از امضای این تفاهم‌نامه و آغاز اجرای بندهای ۱، ۴، ۵، ۱۰ و ۱۱ و ادامه اجرای آنها، ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران مذاکرات درباره توافق نهایی را آغاز خواهند کرد.

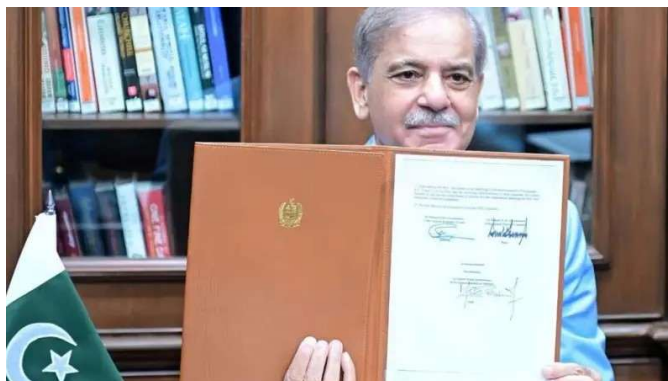
بند چهاردهم

توافق نهایی با یک قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل متحد تأیید و پشتیبانی خواهد شد.

پس از این بند، صفحه امضاهای طرفین قرار دارد.

متن تفاهم‌نامه به زبان‌های فارسی و انگلیسی همراه با امضای طرف‌ها در حساب رئیس‌جمهور ایران در شبکه اجتماعی ایکس

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور دولت اسلامی ایران، متن این تفاهم‌نامه را به هر دو زبان فارسی و انگلیسی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرده است.



شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان هم که میانجی میان آمریکا و ایران است، این تفاهم‌نامه را امضاء کرد منتشر شده در ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ - ۱۸ ژوئن ۲۰۲۶

خطراتی که توافق ایران و آمریکا را تهدید می‌کند

این توافق شامل تعهد به آغاز روند رفع محاصره دریایی آمریکا، از سرگیری کشتیرانی از مسیر تنگه هرمز و مذاکره برای لغو «همه انواع تحریم‌ها» علیه ایران است. این سند هم‌چنین ایجاد صندوقی با حداقل ۳۰۰ میلیارد دلار برای بازسازی و توسعه اقتصادی ایران را پیش‌بینی می‌کند و در کنار آن، تهران بار دیگر متعهد شده است که به دنبال توسعه سلاح هسته‌ای نخواهد رفت.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، هشدار داده است که این توافق اولیه «نهایی نیست» و گفته اگر شکست بخورد، آمریکا می‌تواند «دوباره بمباران را از سر بگیرد».

در ایران محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و از مذاکره‌کنندگان اصلی جمهوری اسلامی، به رسانه‌های دولتی گفت که بی‌اعتمادی او به آمریکا هم‌چنان پابرجاست و افزود «دشمن فهمید وقتی ما حرف از مذاکره می‌زنیم، شمشیر ما هم آماده است». به گفته کارشناسان، سه مورد زیر از مهم‌ترین تهدیدهایی است که می‌تواند مذاکرات را با خطر روبه‌رو کند. شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان که یکی از میانجی‌های اصلی مذاکرات بود، هنگام اعلام توافق اولیه گفت دو طرف «پایان فوری و دائمی عملیات نظامی در همه جبهه‌ها، از جمله لبنان» را اعلام کرده‌اند.

متن منتشرشده از توافق نیز لبنان را به صراحت در بر می‌گیرد و «تمامیت ارضی و حاکمیت» آن را تضمین می‌کند. با این حال، اسرائیل هم‌چنان به حملات وحشیانه خود در لبنان ادامه می‌دهد؛ حتی پس از آن‌که دونالد ترامپ در اجلاس گروه هفت در فرانسه گفت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، باید «در قبال لبنان مسئولانه‌تر» رفتار کند.

روز چهارشنبه ۱۷ ژوئن، خبرگزاری رسمی لبنان، گزارش داد که جنگنده‌های اسرائیلی منطقه نبطیه فوقا و حومه کفر تبیت در نزدیکی آن را هدف قرار دادند. علاوه بر این، مقام‌های آمریکایی می‌گویند هرچند لبنان در چارچوب توقف درگیری‌ها گنجانده شده، خروج نیروهای اسرائیلی از خاک لبنان شرط این توافق نیست. آن‌ها می‌گویند اسرائیل حق دفاع از خود را حفظ خواهد کرد.

اما جمهوری اسلامی ایران گفته، پایان جنگ در لبنان «بخش جدایی‌ناپذیر توافق برای پایان جنگ» است. حزب‌الله، گروه شبه‌نظامی مورد حمایت ایران در لبنان، نیز همین موضع را تکرار می‌کند. دفتر روابط رسانه‌ای حزب‌الله به رویترز گفته است ایران به متحد خود اطمینان داده است که در مرحله بعدی مذاکرات، خواهان خروج کامل نیروهای اسرائیلی از لبنان خواهد شد.

اسرائیل نیز به روشنی نشان داده است که خود را ملزم به برداشت ایران از توافق با آمریکا نمی‌داند. اسرائیل کانس، وزیر دفاع اسرائیل، گفته است نیروهای اسرائیلی «بدون محدودیت زمانی» در مناطق امنیتی لبنان باقی خواهند ماند و هشدار داده است که اگر ایران به خاطر لبنان به اسرائیل حمله کند، آن‌ها «با تمام قدرت» واکنش نشان خواهند داد.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، گفته است نیروهای اسرائیلی در جنوب لبنان باقی خواهند ماند و توانایی حمله علیه تهدیدهای امنیتی را حفظ خواهند کرد.

اچای هلیبر، پژوهش‌گر علوم سیاسی در اندیشکده بریتانیایی «موسسه خدمات متحد سلطنتی»، می‌گوید تل‌آویو «اصلی‌ترین مانع» تلاش‌های صلح بوده است. او می‌گوید: «ماجرایی نظامی اسرائیل، چه علیه ایران باشد و چه از طریق ویرانی ادامه‌دار در لبنان انجام شود، بزرگ‌ترین تهدید برای پیشرفت دیپلماتیک است.»

آقای هلیبر می‌گوید اگر تهران به رویارویی مستقیم کشیده شود، این روند می‌تواند پیش از آنکه «حتی مذاکرات جدی درباره پرونده هسته‌ای آغاز شود» از هم فروپاشد.

جوزف عون، رئیس‌جمهور لبنان، از توافق اولیه استقبال کرده و گفته امیدوار است این توافق به «گام‌هایی عملی منجر شود که چرخه خشونت را برای همیشه پایان دهد.»

برای خود لبنان، پیامدهای جنگ ویرانگر بوده است. بیش از ۳۷۰۰ نفر کشته شده‌اند، حدود یک میلیون نفر آواره شده‌اند و بخش‌های بزرگی از جنوب این کشور تخریب گسترده‌ای را تجربه کرده است.

برنامه هسته‌ای ایران

یکی دیگر از نقاط اختلاف، اورانیوم غنی‌شده ایران است؛ هرچند دونالد ترامپ گفته برای مصادره آن عجله‌ای وجود ندارد. به گفته آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران تا سال گذشته حدود ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده تا سطح ۶۰ درصد انباشته کرده بود. سطح غنی‌سازی لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای حدود ۹۰ درصد است.

تهران همواره تأکید کرده است که برنامه هسته‌ایش ماهیتی صلح‌آمیز دارد و در این توافق اولیه نیز بار دیگر متعهد شده که در پی توسعه سلاح هسته‌ای نخواهد بود.

اما مسائل کلیدی، از جمله سرنوشت اورانیوم غنی‌شده موجود، به توافق نهایی موکول شده که باید بعداً درباره آن مذاکره شود.

دو طرف بر سر اصل تصمیم‌گیری درباره سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی‌شده توافق کرده‌اند. انتظار می‌رود گزینه حداقلی، «رقیق‌سازی این مواد در داخل ایران تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» باشد.

در توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ که در دوره ریاست‌جمهوری باراک اوباما امضا شد، تهران غنی‌سازی را به ۳/۶۷ درصد محدود کرد. پس از خروج آمریکا از آن توافق در دوره نخست ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸، ایران برنامه هسته‌ای خود را به‌طور چشم‌گیری گسترش داد.

دارین سلنیک، معاون پیشین رییس دفتر پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، به بی‌بی‌سی گفته است اگر رییس‌جمهور احساس کند ایران دوباره در حال غنی‌سازی اورانیوم در سطح تسلیحاتی است، «احتمالاً عملیات نظامی را دوباره آغاز خواهد کرد.»

بر اساس چارچوب اولیه توافق، انتظار می‌رود دو طرف در طول دوره ۶۰ روزه مذاکرات، وضعیت موجود را حفظ کنند؛ به این معنا که ایران فعالیت‌های هسته‌ای خود را گسترش ندهد و آمریکا نیز از اعمال تحریم‌های جدید یا افزایش حضور نظامی خود در منطقه خودداری کند.

تنگه هرمز

هدف این توافق، هم‌چنین بازگشایی تنگه هرمز است که از اواخر فوریه عملاً مسدود شده است. پیش از جنگ، حدود ۲۰ درصد از عرضه جهانی نفت و گاز از این مسیر کلیدی کشتیرانی عبور می‌کرد.

بر اساس توافق اولیه، این آبراه پس از امضای رسمی تفاهنامه بازگشایی می‌شود و انتظار می‌رود با رفع موانع فنی و امنیتی، از جمله پاک‌سازی مین‌ها از سوی ایران، طی ۳۰ روز به ظرفیت کامل عملیاتی خود بازگردد.

در متن توافق آمده است که تنگه هرمز برای یک دوره اولیه ۶۰ روزه، «در هر دو مسیر میان خلیج فارس و دریای عمان»، بدون دریافت عوارض باز خواهد بود. هم‌چنین تصریح شده است که ایران درباره نحوه اداره آینده این آبراه و ارائه خدمات دریایی، مطابق با قوانین بین‌المللی، با عمان و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس گفت‌وگو خواهد کرد.

این بند این امکان را باز می‌گذارد که در آینده برای عبور کشتی‌ها از تنگه هزینه‌هایی دریافت شود.

جمهوری اسلامی ایران، پیش‌تر نیز نشان داده بود که خواهان نقش پررنگ‌تری در مدیریت این تنگه است. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه ایران، گفته است که از کشتی‌های عبوری از تنگه هزینه خدمات دریافت خواهد شد. با این حال، هنوز مشخص نیست این هزینه‌ها دقیقاً در ازای چه خدماتی دریافت خواهد شد.

دریافت عوارض صرفاً برای عبور از تنگه بر اساس حقوق بین‌الملل مجاز نیست، هرچند اخذ هزینه در ازای خدمات مشخص امکان‌پذیر است.

با این حال، آمریکایی‌ها ابراز اطمینان کرده‌اند که پس از پایان مذاکرات نیز تنگه همچنان بدون عوارض باقی خواهد ماند.

یک مقام آمریکایی به خبرنگاران گفت ایران ممکن است تلاش کند جایگاه خود را در این آبراه تثبیت کند، اما افزود که کشورهای خلیج فارس هیچ‌گونه سازوکاری را که دسترسی بدون عوارض آن‌ها را محدود کند، نخواهند پذیرفت.

دونالد ترامپ گفته است که ایران با «عقل سلیم» عمل خواهد کرد و عوارضی وضع نخواهد کرد، زیرا چنین اقدامی می‌تواند خطر تشدید دوباره تنش‌های نظامی را به همراه داشته باشد. آمریکا همچنین بر این باور است که کشورهای حاشیه خلیج فارس «هرگز» با نظامی که در آینده شامل دریافت عوارض باشد موافقت نخواهند کرد.

پرسش‌های عملی نیز هم‌چنان پابرجاست.

مارک مونگومری، دریادار بازنشسته نیروی دریایی آمریکا، به بی‌بی‌سی گفت پاک‌سازی مین‌ها ممکن است «هفته‌ها تا ماه‌ها» طول بکشد.

شرکت‌های کشتیرانی احتمالاً تا زمانی که مطمئن نشوند آتش‌بس پابرجاست، با احتیاط عمل خواهند کرد.

مارتین کلی، از شرکت مدیریت بحران «ای‌اواس ریسک گروپ» به بی‌بی‌سی گفت: «با توجه به وضعیت فعلی، عبور از تنگه هرمز به ناخدایی فوق‌العاده جسور نیاز دارد.»

با این حال، هلیر هشدار می‌دهد که توافق برای پایان جنگ هنوز فقط «یک تفاهم‌نامه است؛ چارچوبی برای مذاکره، نه یک راه‌حل.» او می‌گوید: «کار دشوار هنوز آغاز نشده است.»

چرا توافق ۶۰ روزه؛ اسرائیل در محاسبات آمریکا به حاشیه رفته است؟

رسمی شدن تفاهم‌نامه ۶۰ روزه میان ایران و آمریکا و شرط توقف جنگ در همه جبهه‌ها، دکترین امنیتی اسرائیل را با چالشی بی‌سابقه مواجه کرده است؛ توافقی که به باور تحلیل‌گران، آزمون مهار اسرائیل توسط واشنگتن است.

یادداشت تفاهم‌نامه ۱۴ بندی میان آمریکا و ایران، که پس از هفته‌ها مذاکره غیرمستقیم با میانجیگری چند کشور منطقه‌ای تدوین شد، اکنون وارد مرحله‌ای شده که می‌تواند مسیر یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های خاورمیانه را تغییر دهد.

دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا شامگاه سه‌شنبه ۱۷ ژوئن در حاشیه نشست گروه هفت، در حضور امانوئل مکران، همتای فرانسوی‌اش امضای خود را پای این توافق ثبت کرد؛ اقدامی که هم‌زمان با امضای مسعود پزشکیان در ایران همراه بود.

با این حال، مخالفت آشکار دولت اسرائیل با این تفاهم از همان ابتدا این پرسش را مطرح کرد که آیا توافقی که یکی از مهم‌ترین بازیگران منطقه خود را ملزم به آن نمی‌داند، اساساً شانس پایداری خواهد داشت؟

فرض کنیم اگر یک بند از تفاهم ۱۴ بندی ایران و آمریکا بیش از همه موجب نگرانی اسرائیل شده باشد، همان بندی است که شرط ایران برای «توقف جنگ در تمامی جبهه‌ها» سخن می‌گوید؛ بندی که عملاً لبنان و جبهه حزب‌الله را نیز در بر می‌گیرد. همین مسئله، مهم‌ترین نقطه اصطکاک میان تهران و تل‌آویو و شاید حساس‌ترین آزمون پیش روی توافق تازه میان ایران و آمریکا به شمار می‌رود.

احتمالاً، اختلاف آمریکا و اسرائیل بسیار فراتر از مسئله لبنان است. البته هنوز روشن نیست جمهوری اسلامی تا کی و تا کجا توافق با آمریکا را به لبنان گره خواهد زد. این احتمال را نباید دور از ذهن دانست که با پیشرفت مذاکرات و در صورت دریافت امتیازهای اقتصادی، جمهوری اسلامی نیز به سمت نوعی مدیریت تنش حرکت کند. یعنی جمهوری اسلامی از حزب‌الله لبنان بخواهد فعلاً درگیری با اسرائیل را متوقف کند. اما باز در این‌جا، این احتمال وجود دارد که باز هم اسرائیل به این حد نیز قانع نشود و به حملات خود به لبنان ادامه دهد.

احتمالاً یکی از مهم‌ترین دلایل نارضایتی اسرائیل از تفاهم جدید، کنار گذاشته شدن مطالبه‌ای است که سال‌ها در مرکز سیاست رسمی تل‌آویو قرار داشت: برچیدن کامل زیرساخت‌های غنی‌سازی ایران. بر اساس چارچوبی که تاکنون از توافق احتمالی منتشر شده، ایران بار دیگر تعهد کرده به دنبال تولید یا دست‌یابی به سلاح هسته‌ای نرود. دو طرف هم‌چنین توافق کردند درباره سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی‌شده و موضوع غنی‌سازی در چارچوب مذاکرات نهایی تصمیم‌گیری کنند؛ به طوری که دست کم بخشی از مواد موجود تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رقیق‌سازی شود.

اما مهم‌تر از همه، نباید فراموش کرد که وابستگی راهبردی اسرائیل به ایالات متحده در حوزه‌های دیپلماتیک، اقتصادی، فناوری و به ویژه نظامی، در نهایت این کشور را به پذیرش چارچوبی سوق خواهد داد که در واشنگتن طراحی شده است؛ همان‌گونه که پیش‌تر در جریان برجام نیز رخ داد.

از سوی دیگر، در حالی که فضای سیاسی اسرائیل به تدریج به سمت انتخابات بعدی حرکت می‌کند، مسئله ایران بار دیگر به یکی از محورهای اصلی رقابت میان دولت و اپوزیسیون تبدیل شده است. نفتالی بنت، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل که در ماه‌های اخیر تلاش کرده خود را به‌عنوان جدی‌ترین رقیب بنیامین نتانیاهو مطرح کند، اخیراً اعلام کرده است که در صورت بازگشت به قدرت «بزرگ‌ترین کابوس تهران» خواهد بود.

بنت در یک نشست خبری در تل‌آویو به خبرنگاران گفت: «دوره این دولت نتانیاهو با یک جنگ داخلی آغاز شد، با کشتار هفتم اکتبر ادامه یافت و اکنون با یک شکست تاریخی در برابر ایران به پایان می‌رسد.»

این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که منتقدان نتانیاهو نیز او را متهم می‌کنند نتوانسته دستاوردهای نظامی جنگ اخیر را به موفقیت‌های سیاسی و راهبردی پایدار تبدیل کند.

در سال ۲۰۱۵، زمانی که باراک اوباما برای نهایه کردن برجام تلاش می کرد، بنیامین نتانیاهو با حضور جنجالی در کنگره آمریکا عملاً به مهم ترین مخالف توافق هسته ای با ایران در خاک ایالات متحده تبدیل شد. نخست وزیر اسرائیل آن زمان نه تنها از نفوذ سنتی تل آویو در واشنگتن بهره می برد، بلکه توانسته بود بخش مهمی از جمهوری خواهان را در برابر کاخ سفید بسیج کند.

اما امروز معادله متفاوت به نظر می رسد. این بار نه یک رئیس جمهور دموکرات، بلکه دونالد ترامپ در مرکز روند جدید قرار دارد و بخش عمده پایگاه سیاسی حزب از او تبعیت می کند. در چنین شرایطی این پرسش مطرح است که آیا اسرائیل، همچنان قادر است سیاست آمریکا در قبال ایران را مهار و یا مختل کند؟

یک پرسش درباره ۳۰۰ میلیارد دلاری

تمام جزئیات فنی مربوط به چگونگی اجرای این موضوع و جدول زمانی آن همچنان باید در طی این دوره ۶۰ روزه نهایی و مشخص شود. ترامپ، ادعا کرده است که ایالات متحده هیچ پولی در اختیار ایران قرار نخواهد داد. این موضوع برای رییس جمهور آمریکا اهمیت ویژه ای دارد، چون او بارها از پرداخت مبلغ یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار توسط دولت باراک اوباما به ایران در سال ۲۰۱۶ میلادی، انتقاد کرده است. ترامپ که به میراث سیاسی خود می بالد، مدعی بوده که توافق خود با ایران را بهتر از توافق دوران باراک اوباما جلوه دهد و از مسئله پرداخت پول به عنوان ابزاری برای نشان دادن موضع سختگیرانه تر خود در برابر تهران استفاده کند.

با این حال، بر اساس متن این توافق، ایالات متحده متعهد می شود که با «همکاری شرکای منطقه ای، یک طرح نهایی و مورد توافق دوجانبه با ارزش حداقل ۳۰۰ میلیارد دلار آمریکا» برای بازسازی ایران تدوین و توسعه دهد.

یک مقام ارشد آمریکایی گفت که این توافق، ایالات متحده را به پرداخت حتی یک سنت به ایران متعهد نمی کند. اما متن اصلی توافق تا حدی مبهم است و به نظر می رسد این امکان را باز گذاشته که آمریکا در آینده در چارچوب این توافق برای پایان جنگ مبالغی را به ایران پرداخت کند.

این موضوع می تواند به یک چالش سیاسی مهم برای دونالد ترامپ و جی دی ونس، معاون او تبدیل شود چون هر دو در جریان مبارزات انتخاباتی خود وعده داده بودند که آمریکا را وارد «جنگ های بی پایان» جدید نخواهند کرد.

جریان سیاسی ماگاک (عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم) که مخالف مداخله در سیاست خارجی است، ممکن است با چنین ترتیبی مخالفت کند، حتی اگر این کمک یا هر نوع پرداخت احتمالی به ایران مستقیماً از سوی دولت آمریکا تامین نشود.

در این تفاهم نامه که یک صفحه و نیم است، به برخی از دیگر مسائل مهم هم به طور خلاصه و سطحی اشاره شده است و جزئیات چندانی درباره آن ارائه نشده است.

زمانی که جنگ آغاز شد، دونالد ترامپ اعلام کرد که یکی از اولویت های اصلی او جلوگیری از تامین مالی گروه های نیابتی ایران در منطقه از جمله حزب الله است.

این موضوع، هم چنین برای اسرائیل هم در اولویت قرار داشت، کشوری که در آغاز جنگ با ایالات متحده مشارکت کرد و به طور جداگانه هم در لبنان با این گروه مورد حمایت ایران درگیر است.

بر اساس تفاهم نامه اولیه، توقف درگیری ها شامل حزب الله لبنان هم می شود. با این حال در متن توافق فقط اشاره های محدودی به این گروه شده و جزئیاتی ارائه نشده است. هم چنین مشخص نیست که در ادامه مذاکرات، آیا ایران تحت فشار قرار خواهد گرفت تا دست از حمایت از حزب الله و دیگر گروه های نیابتی خود در منطقه بردارد یا خیر.

متنی که روز چهارشنبه منتشر شد، به طور مفصل به برنامه موشکی ایران هم نمی پردازد، موضوعی که دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو در آغاز جنگ آن را یکی از اولویت های اصلی خود اعلام کرده بودند.

حتی ترامپ هم در نشست خبری خود در حاشیه نشست گروه هفت درباره چشم انداز صلح پایدار با ایران موضعی قاطع اتخاذ نکرد. او به خبرنگاران گفت: «اگر ظرف ۶۰ روز این کار انجام نشود، اشکالی هم ندارد. ما دوباره برمی گردیم به بمباران.»

مجتبی خامنه ای در مورد تفاهم نامه ایران و آمریکا: نظر دیگری داشتیم

پیام رهبر جمهوری اسلامی ایران، درباره تفاهم نامه اخیر ایران و آمریکا، همراه با اظهارات یکی از مقام های ارشد دولت و انتقادهای نزدیکان سعید جلیلی، وجود مخالفت هایی در بالاترین سطوح قدرت با این توافق را به نمایش گذاشته است.

در پیام کتبی که رسانه های ایران از قول مجتبی خامنه ای منتشر کردند، او ضمن اعلام موافقت با امضای تفاهم نامه، تاکید کرد که شخصاً «نظر دیگری» داشته است. خامنه ای نوشت:

«بنده علی الاصول، نظر دیگری داشتم ولی از باب تعهدی که رییس جمهور محترم به عنوان رییس شورای عالی امنیت ملی از طرف خود و سایر اعضا در پاسداشت حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت به بنده دادند و تصریح به قبول مسئولیت آن نمودند، اجازه آن را صادر نمودم.»

خامنه‌ای، هم‌چنین تأکید کرد مذاکرات حضوری احتمالی در آینده «به معنی پذیرش نظر دشمن نخواهد بود» و هشدار داد اگر طرف آمریکایی «زیاده‌خواهی» کند، ایران زیر بار آن نخواهد رفت.

این موضع‌گیری در حالی منتشر شد که محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، از نقش محوری مسعود پزشکیان در پیش‌برد توافق سخن گفته و فاش کرد همه اعضای شورای عالی امنیت ملی به جز یک نفر از تفاهم‌نامه حمایت کرده‌اند.

قائم‌پناه گفت: «پزشکیان نقش اول را در این تفاهم داشت. او توانست این تفاهم‌نامه را به امضای همه به جز یک نفر برساند.»

اگرچه هویت این عضو مخالف رسماً اعلام نشده است، اما به نظر می‌رسد این یک نفر سعید جلیلی، عضو شورای عالی امنیت ملی و نماینده رهبر جمهوری اسلامی در این شورا، باشد. این گمانه‌زنی پس از آن تقویت شد که مسعود براتی، از اعضای دفتر جلیلی، در تجمعی به یکی از بندهای اصلی تفاهم‌نامه حمله کرد.

براتی با انتقاد از بند مربوط به «عدم دخالت متقابل ایران و آمریکا در امور داخلی یکدیگر» و هم‌چنین «احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی دو طرف»، این بخش از توافق را مورد اعتراض قرار داد.

هم‌زمانی این انتقادات با تأکید رهبر جمهوری اسلامی بر این که شخصاً «نظر دیگری» داشته، پرسش‌هایی را درباره ماهیت اختلافات درون حاکمیت بر سر توافق با آمریکا مطرح کرده است.

هنوز مشخص نیست مخالفت مورد اشاره خامنه‌ای تا چه اندازه جدی و تا چه اندازه «تقسیم کار» و نمایشی برای آن است که در آینده بتوانند مسئولیت هر گونه شکستی را از گردن او بر دارند. با این حال، انتقادهای جریان نزدیک به جلیلی از بند عدم مداخله متقابل و احترام به حاکمیت ملی دو کشور، این احتمال را مطرح کرده که مخالفت‌های موجود به همین محور بازگردد؛ بندی که در صورت اجرای کامل می‌تواند بر نحوه رابطه جمهوری اسلامی با نیروهای همسو در منطقه و هم‌چنین سیاست‌های تقابلی دو کشور تأثیر بگذارد.

اما مجموعه تحولات اخیر از وجود اختلاف‌نظرهای قدیمی در ساختار قدرت جمهوری اسلامی بر سر مسیر جدید روابط با آمریکا حکایت دارد. زمان نشان خواهد داد پیام مجتبی خامنه‌ای نخستین نشانه‌های فاصله گرفتن رهبر جمهوری اسلامی از تفاهم‌نامه‌ای است که هنوز مرکب امضای آن خشک نشده، یا صرفاً تلاشی برای هشدار به طرف آمریکایی و مدیریت اختلافات درون حاکمیت می‌باشد.

«ریگان در گور می‌لرزد»، خشم جمهوری خواهان از توافق ترامپ با ایران

توافق دونالد ترامپ با ایران، پس از آن که جنگ چندماهه آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی را به آتش‌بسی موقت و مذاکراتی تازه رساند، شکاف تازه‌ای در اردوگاه جمهوری خواهان ایجاد کرده است. رییس‌جمهور آمریکا که جنگ را با شعارهای حداکثری آغاز کرده بود، اکنون با توافقی روبه‌روست که حتی بخشی از حامیان جنگ‌طلب او آن را عقب‌نشینی و امتیازدهی به تهران می‌دانند.

ترامپ پیش از جنگ وعده داده بود برنامه هسته‌ای ایران را نابود کند، توان موشکی جمهوری اسلامی را از میان ببرد و حمایت تهران از نیروهای هم‌پیمان منطقه‌ای، از جمله حزب‌الله، را پایان دهد. اما توافقی که اکنون امضا شده، بیش از آن که تحقق این اهداف باشد، چارچوبی برای توقف جنگ، بازگشایی تنگه هرمز، رفع محاصره دریایی ایران، آغاز مذاکرات ۶۰ روزه و فراهم کردن مشوق‌های اقتصادی است. همین فاصله میان شعارهای آغاز جنگ و متن توافق، خشم بخشی از جمهوری خواهان را برانگیخته است.

بیل کسیدی، سناتور جمهوری خواه ایالت لوئیزیانا، توافق ترامپ با ایران را «بدترین خطای سیاست خارجی در دهه‌های اخیر» خوانده و گفته است: «ریگان در گور می‌لرزد.» او معتقد است جاه‌طلبی هسته‌ای ایران مهار نشده و تهران آموخته است که تهدید تنگه هرمز نتیجه می‌دهد و می‌تواند در آینده نیز از آن به‌عنوان اهرم فشار استفاده کند. به گفته او، ایران اکنون در چارچوب توافق امکان بازسازی زیرساخت‌های خود را به دست می‌آورد.

تام تیلیس، سناتور جمهوری خواه کارولینای شمالی، نیز گفته است مفاد منتشر شده برای قانع کردن او کافی نیست و هنوز «کار زیادی» لازم است تا باور کند دولت ترامپ در مسیر درستی حرکت می‌کند. تردیدها فقط به چهره‌هایی محدود نمی‌شود که دیگر آینده سیاسی خود را در گرو حمایت از ترامپ نمی‌بینند. تد کروز، سناتور جنگ‌طلب و از چهره‌های نزدیک به جریان مسیحیان اوانجلیک، نیز درباره ابعاد مالی توافق پرسش‌هایی مطرح کرده و به‌ویژه از احتمال دسترسی ایران به صندوق ۳۰۰ میلیارد دلاری ابراز نگرانی کرده است.

نیکی هیلی، سفیر پیشین آمریکا در سازمان ملل و رقیب سابق ترامپ در انتخابات مقدماتی جمهوری خواهان، نیز از توافق انتقاد کرده است. او در حالی که حملات آمریکا به تأسیسات هسته‌ای و موشکی ایران را «تصمیم درست» خوانده، هشدار داده است که تأمین مالی بازسازی ایران اشتباهی بزرگ است، زیرا به گفته او، واشنگتن نباید به بازسازی همان تهدیدی کمک کند که مدعی نابودی آن بوده است.

رسانه‌های محافظه‌کار نزدیک به ترامپ نیز با سردرگمی و خشم به توافق واکنش نشان داده‌اند. نیویورک‌پست، روزنامه متعلق به روپرت مرداک، در تیتراژ اول خود نوشت: «ترامپ ایران را به زانو درآورد و حالا یک بمب عشق به سوی آن‌ها پرتاب می‌کند.» در شبکه فاکس نیوز نیز برخی مجریان و مفسران محافظه‌کار گفتند بخش‌های زیادی از توافق نگران‌کننده است و باید تغییر کند؛ تغییری که با امضای متن توافق دیگر بعید به نظر می‌رسد.

این واکنش‌ها نشان می‌دهد ترامپ با توافق ایران، تقریباً همه بخش‌های ائتلاف خود را به نحوی ناراضی کرده است. بخشی از پایگاه «آمریکا را دوباره عظمت ببخشیم» از همان آغاز جنگ خشمگین بود، زیرا ترامپ در کارزار انتخاباتی وعده داده بود آمریکا را وارد جنگ‌های تازه نکند. اکنون جناح جنگ‌طلب و محافظه‌کار حزب جمهوری خواه نیز از پایان جنگ ناراضی است، زیرا توافق را نشانه عقب‌نشینی از اهداف اعلام‌شده و امتیاز دادن به تهران می‌بیند. مسئله اصلی برای منتقدان جمهوری خواه فقط توقف جنگ نیست؛ آنان می‌گویند ایران پس از جنگ نه سقوط کرده، نه برنامه موشکی خود را تسلیم کرده، نه از حمایت از حزب‌الله دست کشیده و نه ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را از کشور خارج کرده است. از نگاه آنان، توافق ترامپ، با وجود تهدیدهای لفظی او، در عمل ایران را به کاهش تحریم‌ها، آزادسازی دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری خارجی نزدیک‌تر کرده است.

این تناقض برای ترامپ از نظر سیاسی خطرناک است. او سال‌ها توافق هسته‌ای دوره اوباما را به دلیل آزادسازی دارایی‌های ایران و به‌زعم خود «پول دادن به تهران» محکوم می‌کرد. اما اکنون خودش از توافقی دفاع می‌کند که در آن از بازگشت دارایی‌های مسدودشده ایران، امکان کاهش تحریم‌ها و تشکیل صندوقی ۳۰۰ میلیارد دلاری برای بازسازی و توسعه سخن گفته می‌شود؛ هرچند دولت آمریکا تأکید دارد این صندوق خصوصی است و پول دولتی آمریکا در آن وجود ندارد.

ترامپ تلاش کرده از یک سو توافق را پیروزی خود معرفی کند و از سوی دیگر با تهدیدهای تازه، منتقدان جنگ‌طلب را آرام کند. او گفته اگر ایران تعهدات خود را نقض کند، آمریکا حملات را از سر خواهد گرفت. اما این تهدیدها برای مخالفان درون حزب او کافی نبوده است، زیرا آنان می‌پرسند اگر جنگ برای نابودی تهدید ایران آغاز شده بود، چرا با توافقی پایان می‌یابد که بسیاری از اهرم‌های ایران را دست‌نخورده باقی گذاشته است.

درون دولت ترامپ نیز نشانه‌هایی از اختلاف دیده می‌شود. جی دی ونس، معاون رئیس‌جمهور، که از ابتدا نسبت به ماجراجویی نظامی بدبین‌تر بود، اکنون در رسانه‌ها از توافق دفاع می‌کند و آن را راهی برای جلوگیری از ادامه جنگ می‌داند. در مقابل، سکوت مارکو روبریو، وزیر خارجه، از سوی برخی ناظران به‌عنوان نشانه نارضایتی یا فاصله‌گیری از توافق تعبیر شده است.

از نظر سیاسی، توافق با ایران در زمانی به ترامپ تحمیل شده که محبوبیت او پایین است و جنگ نیز در افکار عمومی آمریکا محبوبیت گسترده‌ای ندارد. اگر جمهوری خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای بهای این جنگ و توافق پرهزینه را بپردازند، ترامپ ممکن است در دو سال پایانی آخرین دوره ریاست‌جمهوری خود با کنگره‌ای از دست‌رفته و موقعیتی به‌شدت تضعیف‌شده روبرو شود.

به این ترتیب، توافق ایران و آمریکا نه فقط نقطه عطفی در بحران خاورمیانه، بلکه آغاز بحرانی تازه در سیاست داخلی آمریکا است. ترامپ جنگی را آغاز کرد که بخشی از پایگاهش نمی‌خواست، و توافقی را امضا کرد که بخش دیگری از پایگاهش آن را نمی‌پذیرد. او اکنون باید هم از تصمیم به جنگ دفاع کند، هم از توافقی که بسیاری از جنگ‌طلبان حزب خودش آن را شکست می‌دانند.



بمباران شدید لبنان توسط اسرائیل

انتقام اسرائیل؛ کشتار بی‌رحمانه مردم در لبنان

در پی کشته‌شدن ۴ سرباز ارتش اسرائیل در جریان حمله در جنوب لبنان، ایتمار بن‌گوبر، وزیر امنیت ملی اسرائیل خواستار اقدام نظامی گسترده علیه لبنان شد. وزیر امنیت ملی اسرائیل و از چهره‌های افراطی جناح راست، در اظهاراتی گفت: «باید تمام لبنان در آتش بسوزد.» خبرگزاری فرانسه به نقل از بن‌گوبر نوشت: «با وجود احترام به آمریکایی‌ها، اسرائیل باید به‌روشنی به جهان اعلام کند که در مورد خون فرزندان خود و امنیت شهروندانش هیچ مصالحه‌ای نمی‌کند. لبنان باید بسوزد.»

او با این بیان که «در برابر هر اشکی که یک مادر اسرائیلی می‌ریزد، باید هزار مادر لبنانی گریه کنند» در ادامه گفت: «انداختن مسئولیت بر دوش دیگران، بس است. پیروزی در خاورمیانه با واکنش‌های حساب‌شده و خویش‌ننداری به دست نمی‌آید. باید دیوانه‌وار عمل کنیم، دشمن را نابود کنیم و تروریسم را شکست دهیم.»

«دروازه‌های جهنم»

از سوی دیگر، بتسلئیل اسموتریچ، وزیر دارایی اسرائیل و هم‌فکر بن‌گور در جناح راست افراطی، در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «باید آتش سخن بگویند و دروازه‌های جهنم را باز کنیم»، که اشاره به کشته شدن سربازان اسرائیلی داشت، بدون آن که نامی از لبنان ببرد. در همین حال، آویگدور لیبرمن، رهبر حزب اپوزیسیون «اسرائیل خانه ما»، تأکید کرد که باید «اردوگاه مقابل بهای سنگینی بپردازد که هرگز از آن بهبود نیابد». لیبرمن با این موضع، فشار بر نتانیاهو را افزایش داد که با نزدیک شدن به انتخابات در پایان اکتبر آینده و وضعیت اکثریت پارلمانی دولت او، شکننده شده است. لیبرمن در «ایکس» نوشت: «اگر ضاحیه جنوبی بیروت، پایگاه حزب‌الله، پس از کشته شدن چهار سرباز سرپا بماند، نخست‌وزیر و وزیر دفاع مستقیماً مسئول شکست خواهند بود.»

این اظهارات پس از آن مطرح شد که ارتش اسرائیل اعلام کرد ۴ سرباز در عملیات نظامی در جنوب لبنان کشته شدند که نخستین خسارت جانی اسرائیل از زمان امضای یادداشت تفاهم میان آمریکا و ایران برای پایان دادن به درگیری‌ها در همه جبهه‌ها از جمله لبنان به حساب می‌آید.

ارتش در بیانیه‌ای اعلام کرد که سرهنگ دوم دور گیدالیا بن سیمحون، فرمانده گردان ۵۲ از تیپ زرهی ۴۰۱ در جریان درگیری مسلحانه در جنوب لبنان به همراه ۳ سرباز دیگر کشته شدند. هم‌چنین تأیید شد که یک افسر و ۴ سرباز دیگر در حمله پهبادی انفجاری زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شدند. این مواضع هم‌زمان با افزایش حملات هوایی اسرائیل به ده‌ها شهرک در جنوب لبنان و هم‌چنین هدف قرار دادن منطقه‌ای در نزدیکی شهر تاریخی بعلبک در شرق لبنان، اتخاذ شد.

درگیری‌های نظامی میان ارتش اسرائیل و شبه‌نظامیان حزب‌الله لبنان با شدت در جریان بود و گزارش شد در ۲۴ ساعت منتهی به عصر روز جمعه دست‌کم ۴۷ نفر در حملات اسرائیل کشته شدند و چهار سرباز اسرائیلی نیز در یکی از مرگبارترین حملات حزب‌الله در طول این جنگ کشته شدند. وزارت بهداشت لبنان اعلام کرد که از نیمه‌شب گذشته، ۴۷ نفر در حملات هوایی سنگین در ۱۱ شهر کشته و ۹۷ تن دیگر زخمی شده‌اند و بمباران مانع از تلاش‌های نجات و تخلیه می‌شود.

شدت گرفتن درگیری‌ها در جنوب لبنان با وجود امضای تفاهم‌نامه پایان جنگ میان ایران و آمریکا رخ داد. بر اساس یکی از بندهای این تفاهم‌نامه، جنگ باید در لبنان نیز متوقف شود.

تشدید حملات در شبانه‌روز گذشته باعث موج تازه‌ای از حرکت ساکنان مناطق جنوبی لبنان به سمت شمال این کشور شده است. وزارت بهداشت لبنان شمار کل کشته‌های این کشور از زمان آغاز درگیری‌ها میان ارتش اسرائیل و حزب‌الله در دوم مارس تاکنون را ۳۹۱۲ نفر از جمله ۷۴۶ پزشک، زن و کودک اعلام کرده است.

آمار کشته‌شدگان اسرائیل در این دور از خصومت‌ها با حزب‌الله هم شامل حداقل ۳۲ سرباز و چهار غیرنظامی اسرائیلی است.

تفاهم آمریکا و ایران؛ برنده کیست و چه باید دانست؟

به‌جز درآمدهای جدید نفتی برای ایران، به‌نظر می‌رسد دو طرف کم‌وبیش به نقطه‌ای بازگشته‌اند که در آغاز سال جاری میلادی در آن قرار داشتند؛ یعنی زمانی که هنوز مداخله اسرائیل و آمریکا آغاز نشده بود؛ مداخله‌ای که حملات متقابل ایران به کشورهای همسایه را به دنبال داشت، حملاتی که هزاران کشته در سراسر منطقه بر جا گذاشته، بحران جهانی انرژی ایجاد کرده و اقتصاد جهان را به لرزه انداخته است.

چه کسی بیش‌ترین سود را می‌برد؟

به تحلیل تازه اندیشکده آمریکایی موسسه مطالعات جنگ (ISW)، اگر متن درز کرده توافق درست باشد، نشان می‌دهد تهران در پایان این درگیری در موقعیتی راهبردی قوی‌تر از آن‌چه چارچوب توافق القا می‌کند، بیرون آمده است.

این موسسه می‌گوید مفاد گزارش شده، برای ایران تخفیف اقتصادی چشم‌گیری به همراه دارد که احتمالاً برای بازسازی برنامه‌های موشکی، پهبادی و هسته‌ای خود و هم‌چنین شبکه منطقه‌ای نیروهای نیابتی‌اش از آن استفاده خواهد کرد.

این اندیشکده می‌گوید هیچ نشانه‌ای ندیده است که تصمیم‌گیران ایرانی حاضر باشند در موضوعات هسته‌ای که باید در هر توافق نهایی حل‌وفصل شود امتیازی بدهند حتی با وجود چشم‌انداز کسب تخفیف‌های اقتصادی بیش‌تر در صورت دست‌یابی به چنین توافقی.

مقام‌های ایرانی و رسانه‌های دولتی این توافق را عمدتاً به‌عنوان پیروزی‌ای تصویر می‌کنند که دستاوردهای نظامی ایران را رسمیت می‌بخشد.

جریان دوباره نفت

بر اساس توافق، تنگه هرمز دوباره باز می‌شود و آمریکا محاصره بنادر ایران را برمی‌دارد؛ اقدامی که باید به کاهش قیمت بنزین منجر شود.

بستن تنگه هرمز از سوی ایران، که پیش از جنگ حدود یک‌پنجم نفت تجارت‌شده جهان از آن عبور می‌کرد، شاید قدرتمندترین سلاح تهران در این منازعه بود. این اقدام، قیمت جهانی بنزین را بالا برد، هزینه مواد غذایی و محصولاتی مانند کود را افزایش داد و نگرانی‌هایی درباره احتمال بروز بحران در سفرهای هوایی در آستانه فصل تعطیلات تابستانی برانگیخت.

این موسسه برآورد می‌کند ایران احتمالاً خواهد کوشید از زبان مبهم توافق برای حفظ کنترل موثر خود بر کشتیرانی در این تنگه بهره ببرد. موسسه مطالعات جنگ می‌گوید متن گزارش‌شده، صراحتاً ایران را از «مدیریت» این آبراه منع نمی‌کند؛ به این معنا که تهران می‌تواند همچنان بر استفاده کشتی‌ها از طرح جداسازی ترافیک در آب‌های سرزمینی ایران و پرداخت عوارض به نیروی دریایی سپاه پاسداران اصرار کند؛ ترتیبی که واشنگتن پیش‌تر آن را غیرقانونی اعلام و تحریم کرده بود.

با این توافق، جمهوری اسلامی از جدی‌ترین تلاش مشترک اسرائیل و آمریکا برای سرنگونی حاکمیتش جان سالم به در برده است؛ تلاشی که در همان حملات اولیه جنگ، آیت‌الله علی خامنه‌ای و دیگر مقام‌های ارشد را کشت.

فروشی آزادانه نفت و کاهش غلظت اورانیوم

این توافق، بلافاصله تحریم‌هایی را که ترامپ بر صادرات نفت ایران اعمال کرده بود تعلیق می‌کند، هرچند آن‌ها را به‌طور کامل لغو نمی‌کند. با این تعلیق، ایران دوباره می‌تواند نفت خام خود را در بازار جهانی بفروشد و به منبع درآمدی چندده میلیارد دلاری دست یابد.

تهران سال گذشته، حدود ۴۵ میلیارد دلار از محل فروش نفت درآمد داشت، اما تنها یک خریدار عمده یعنی چین داشت و ناچار بود نفت خود را با استفاده از ناوگانی «سایه‌ای» از نفتکش‌ها و به‌صورت پنهانی جابه‌جا کند تا از تحریم‌ها بگریزد؛ روشی که بخشی از سودش را می‌خورد. با محاصره از ماه آوریل، صادرات ایران تقریباً متوقف شده بود.

با اعمال تعلیق تحریم‌ها، ایران احتمالاً می‌تواند مشتریان بیشتری پیدا کند و نفت خود را به قیمت‌های بالاتری بفروشد. در پیش‌نویس توافق، از ایران خواسته شده است اورانیوم با غنای بالا را زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رقیق یا «کاهش غلظت» دهد، بدون آن که جزئیات بیشتری در این باره ارائه شود. مذاکرات درباره سایر محدودیت‌های احتمالی بر برنامه هسته‌ای تهران در پیش است. ترامپ از توافق هسته‌ای پیشین با قدرت‌های جهانی خارج شد و آن را به دلیل اعطای سود بادآورده عظیم به ایران مورد انتقاد قرار داد. توافق موقت کنونی، مشوق‌هایی حتی پرسودتر را در صورت دستیابی ایران به توافق هسته‌ای جدید ترسیم می‌کند.

یکی از این مشوق‌ها، لغو تدریجی همه تحریم‌های بین‌المللی است؛ امتیازی که به‌نظر می‌رسد فراتر از توافق سال ۲۰۱۵ می‌رود. آن توافق، تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را برداشت، اما تحریم‌های مرتبط با آنچه واشنگتن «حمایت ایران از تروریسم و نقض حقوق بشر» می‌خواند، پابرجا ماند. این توافق موقت همچنین وعده ایجاد صندوق ۳۰۰ میلیارد دلاری برای بازسازی پس از جنگ را می‌دهد. هنوز مشخص نیست این پول از کجا تامین خواهد شد، اما ترامپ گفته است آمریکا تا این لحظه سهمی در این صندوق نخواهد داشت.

برای درک ابعاد خارق‌العاده این صندوق، کافی است بدانیم بانک جهانی برآورد می‌کند سوریه پس از ۱۳ سال جنگ داخلی به ۲۱۵ میلیارد دلار برای بازسازی نیاز دارد و نوار غزه که در دو سال جنگ اسرائیل و حماس تا حد زیادی ویران شده، برای بازسازی به ۵۳ میلیارد دلار نیاز دارد. این تفاهت‌نامه، همچنین وعده می‌دهد میلیاردها دلار از دارایی‌های مسدودشده ایران در خارج را از طریق سازوکاری که دو طرف درباره آن توافق خواهند کرد، آزاد کند؛ بر اساس متنی که مقام‌های آمریکایی ارائه داده‌اند.

موسسه مطالعات جنگ، همچنین بر این باور است که ایران ساختار توافق را به گونه‌ای طراحی کرده است که توان واشنگتن برای اعمال دوباره فشار در دوره ۶۰ روزه مذاکرات کاهش یابد و در نتیجه، دست آمریکا برای مطالبه امتیازهای بیشتر پیش از دستیابی به توافق نهایی بسته‌تر شود.

موشک‌ها و حمایت ایران از نیروهای نیابتی روی میز نیست

دولت ترامپ بارها اعلام کرده بود هدفش از این جنگ آن است که «زرادخانه موشکی ایران را نابود کند»، «حمایت تهران از نیروهای مسلح نیابتی در منطقه را قطع کند»، «نیروی دریایی ایران را از میان ببرد» و تضمین کند این کشور هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند.

بر این باورند که هفت هفته بمباران مشترک آمریکا و اسرائیل، زرادخانه موشکی ایران، تاسیسات تولید این موشک‌ها و بخش‌های دیگری از ساختار نظامی این کشور را به‌شدت آسیب زده است.

با این حال، میزان دقیق این خسارت‌ها مشخص نیست و ایران تا همین هفته گذشته به شلیک به سمت اسرائیل ادامه داد. در عین حال، به‌نظر می‌رسد روابط ایران با نیروهای مسلح نیابتی‌اش، از حزب‌الله در لبنان گرفته تا حوثی‌ها در یمن، حماس در غزه و شبه‌نظامیان شیعه در عراق، همچنان مستحکم است. نه زرادخانه موشکی ایران و نه حمایت این کشور از متحدان مسلحش، در دستور کار دور جدید مذاکرات قرار ندارد.

تنش در روابط آمریکا و اسرائیل

به گفته موسسه مطالعات جنگ، تهران بند مربوط به آتش‌بس «در همه جبهه‌ها» را به این صورت تفسیر می‌کند که اسرائیل موظف است عملیات علیه حزب‌الله را متوقف و به‌طور کامل از لبنان خارج شود؛ برداشتی که به گفته این اندیشکده، بخشی از تلاش گسترده‌تر ایران برای حفظ حزب‌الله از طریق تامین آن چیزی است که عملاً به معنای عقب‌نشینی اسرائیل در لبنان است.

بخش زیادی از نتیجه به توافق نهایی بستگی دارد

توافق سال ۲۰۱۵ که در دولت باراک اوباما به دست آمد، برنامه هسته‌ای ایران را برای ۱۵ سال به‌شدت محدود کرد. در این دوره، ایران فقط می‌توانست اورانیوم را در سطح پایینی غنی‌سازی کند که بسیار پایین‌تر از سطح لازم برای ساخت سلاح است. ایران می‌توانست فقط ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ذخیره کند و موظف بود تعداد سانتریفیوژهای فعال در فرایند غنی‌سازی را به‌شدت کاهش دهد. برنامه هسته‌ای این کشور همچنین زیر بازرسی‌های سخت‌گیرانه‌تر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گرفت. یکی از انتقادهای اصلی به آن توافق، محدود بودن آن به بازه ۱۵ ساله بود؛ مخالفان می‌گفتند پس از پایان این دوره، ایران می‌تواند به سرعت توانایی خود برای تولید سلاح هسته‌ای را افزایش دهد. ایران تاکید دارد برنامه هسته‌ای‌اش صرفاً اهداف صلح‌آمیز را دنبال می‌کند. پرسش کلیدی اکنون این است که آیا آمریکا می‌تواند محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌تر و بلندمدت‌تری را بر برنامه هسته‌ای ایران تحمیل کند یا نه.

هشدار عفو بین‌الملل درباره تبدیل توافق ایران و آمریکا به پوشش سرکوب در ایران

رئیس سازمان عفو بین‌الملل می‌گوید توافق ایران و آمریکا، موسوم به «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد»، تنها زمانی می‌تواند به صلحی پایدار منجر شود که «حفاظت از حقوق بشر، پاسخگویی عاملان نقض حقوق بین‌الملل، جبران خسارت قربانیان و تضمین عدم تکرار این نقض‌ها نیز در کانون توجه قرار گیرد.» «انیس کالامار» روز پنج‌شنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۵، با ابراز نگرانی نسبت به تداوم سرکوب داخلی در ایران هشدار داد توافقی که «صرفاً به‌طور موقت جنگ را متوقف کند اما حقوق بشر را نادیده بگیرد، خطر آن را دارد که به پوششی برای تداوم مصونیت از مجازات، اشغالگری و سرکوب تبدیل شود.» به باور دبیرکل عفو بین‌الملل، حملات آمریکا و اسرائیل به ایران «غیرقانونی و نقض منشور سازمان ملل» بود و منجر به «اقدامات غیرقانونی» مقامات جمهوری اسلامی شد.

بر اساس آن چه در بیانیه عفو بین‌الملل آمده، این روند ماه‌ها رنج و ویرانی گسترده برای غیرنظامیان و نقض حقوق بشر، از جمله «جنایات جنگی»، به دنبال داشته است.

انیس کالامار، هم‌چنین با اشاره به این که جنگ ایران به دیگر کشورهای منطقه نیز کشیده شد و بیش از شش هزار نفر در خاورمیانه بر اثر این جنگ کشته شدند، گفت: «توافق ایران و آمریکا می‌تواند برای میلیون‌ها نفر در منطقه که طی چهار ماه گذشته در شرایط ناامنی و بلا تکلیفی زندگی کرده‌اند، روزنه‌ای از امید ایجاد کند.»

دبیر کل عفو بین‌الملل، در عین حال هشدار داد که این توافق صرفاً بر منافع راهبردی و نظامی آمریکا و ایران متمرکز است و حقوق بشر را نادیده گرفته به همین سبب ممکن است به پوششی برای «تداوم مصونیت از مجازات، اشغالگری و سرکوب» تبدیل شود.

او همچنین تاکید کرده است که هرگونه پایان پایدار درگیری‌ها باید با اجرای عدالت، پاسخگو شدن عاملان نقض‌های حقوق بین‌الملل، جبران خسارت قربانیان و ارایه تضمین‌های مشخص برای جلوگیری از تکرار چنین نقض‌هایی همراه باشد.

انیس کالامار، تاکید می‌کند که «پایان حملات نظامی علیه ایران به معنای پایان خطر برای شهروندان ایرانی نیست.» چرا که مقام‌های جمهوری اسلامی همچنان به بازداشت‌های گسترده و غیرقانونی، ناپدیدسازی قهری، شکنجه و بدرفتاری، محاکمه‌های به‌شدت ناعادلانه و اعدام‌های با انگیزه سیاسی دست خواهند زد.

سازمان عفو بین‌الملل پیش‌تر در گزارشی، تایید کرده است که از زمان آغاز جنگ در نهم اسفند ۱۴۰۴ دست‌کم ۴۴ نفر در ایران اعدام و بیش از شش هزار نفر به‌طور غیرقانونی بازداشت شده‌اند.

این سازمان هشدار داد که معترضان، منتقدان و سایر افرادی که خواهان تغییرات بنیادین سیاسی هستند، همچنان در معرض خطر جدی ارتکاب «جنایت‌های فجیع بیش‌تر» از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی قرار دارند.

عفو بین‌الملل در بیانیه تازه خود همچنین خواستار حمایت از مطالبات جامعه مدنی ایران برای تغییرات بنیادین در حوزه حقوق بشر شد و اعلام کرد این حمایت باید اصلاحات ساختاری، از جمله تغییر قانون اساسی، را نیز شامل شود.

هشدار و اقرار محمد بطحایی معاون وزیر کشور و رئیس سازمان امور اجتماعی درباره «رضایت عمومی»

اوضاع اقتصادی کشور به خصوص مردم بسیار بحرانی است. معاون وزیر کشور و رئیس سازمان امور اجتماعی با هشدار درباره «کاهش شدید شاخص‌های اجتماعی» اعلام کرده بر اساس یافته‌های پیمایش انجام‌شده، حدود ۶۰ درصد از مردم امیدی به بهبود شرایط آینده ندارند و این موضوع بر سطح انسجام و همبستگی اجتماعی اثرگذار خواهد بود.

محمد بطحایی، رییس سازمان امور اجتماعی ایران در سخنانی با استناد به پیمایش انجام شده توسط وزارت کشور و نهادهای علمی، نسبت به «کاهش شدید شاخص‌های اجتماعی» هشدار داده و وضعیت سرمایه اجتماعی در کشور را یک «زنگ خطر جدی» توصیف کرد. به گفته محمد بطحایی، سرمایه اجتماعی ایران در یک دهه گذشته «روندی نزولی» داشته و با حدود ۱۰ درصد کاهش، از ۵/۴۳ درصد در سال ۱۳۹۴ به حدود ۶/۳۶ درصد در سال ۱۴۰۴ رسیده است.

رییس سازمان امور اجتماعی کشور در تشریح جزئیات این پیمایش‌ها اعلام کرد که در حال حاضر فقط حدود ۲۵ درصد از مردم احساس عدالت و برابری دارند و در مقابل، نزدیک به ۷۵ درصد جامعه بر این باورند که تبعیض و نابرابری بر زندگی آنان سایه افکنده است.

او آمارهای استخراج شده از این پیمایش درباره «رضایت عمومی» را قابل توجه خواند و گفت میزان رضایت اجتماعی در ایران حدود ۳۸ درصد است که نشان می‌دهد ۶۲ درصد از مردم از شرایط موجود ناراضی هستند.

محمد بطحایی، با تأکید بر این که سیاست‌گذاران باید این ذهنیت را جدی بگیرند، افزود که شاخص «امید اجتماعی» نیز وضعیت رو به افولی دارد به طوری که حدود ۶۰ درصد از مردم ایران نسبت به بهبود شرایط در آینده ناامید هستند و تصور مثبتی از آینده ندارند.

معاون وزیر کشور، با تأکید بر اهمیت سرمایه اجتماعی در سه سطح کلان، میانی و خرد توضیح داد سطح کلان به اعتماد عمومی به نظام حکمرانی، سطح میانی به اعتماد به نهادهای خدمت‌رسان و سطح خرد به روابط و پیوندهای اجتماعی میان افراد و گروه‌ها مربوط می‌شود.

بطحایی در پایان سخنان خود، به آستانه تحمل اقتصادی جامعه اشاره کرد و گفت که بر اساس این نظرسنجی‌ها، ۶۰ درصد جامعه با اعلام اتمام تاب‌آوری خود در برابر فشارهای معیشتی، هشدار داده‌اند که دیگر پتانسیلی برای تحمل بار اقتصادی بیشتر ندارند.

هم‌چنین ۷۰ درصد مردم کلید حل بحران‌های موجود را نه در وعده‌ها، بلکه در تغییر ساختاری و اساسی سیاست‌های کلان کشور جست‌وجو می‌کنند و بیش از ۵۰ درصد جامعه نیز خواستار ورود رهبری جدید برای ایجاد این تحولات بنیادین هستند.

این آمارها نشان از فاصله عمیق میان حکومت و مردم دارد و معاون وزیر کشور نیز آن‌ها را قابل توجه دانسته و هشدار داده «هرچند مشکلات کشور جدی است، اما بازسازی اعتماد عمومی و تقویت ارتباط میان مردم و ساختارهای حکمرانی اهمیتی کم‌تر از مسائل اقتصادی ندارد و باید به‌طور جدی دنبال شود.» گفتنی است شاخص سرمایه اجتماعی معیاری برای اندازه‌گیری کیفیت و کمیت روابط، شبکه‌های ارتباطی، و میزان همکاری و همبستگی میان افراد یک جامعه است.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین اخبار ۱۰۰ روز گذشته، مربوط تنگه هرمز است. عراقچی درباره این اهرم راهبردی اعلام کرد «آینده اداره تنگه هرمز با گذشته متفاوت خواهد بود» و خدماتی که ایران برای ایمنی عبور و مرور ارائه می‌دهد دیگر مجانی نخواهد بود. قرارگیری سخنان عراقچی در کنار وقایع میدانی، ادعاهای طرف آمریکایی و اخباری که در رسانه‌ها دست‌به‌دست می‌شود، فضای پیچیده‌ای ایجاد کرده که درک آن نیازمند یک صورت‌بندی شفاف و روشن است.

جفری ساکس اقتصاددان و نظریه‌پرداز برجسته آمریکایی، در گفت‌وگویی تازه با عنوان «ایران، قبرستان هژمونی آمریکا» سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران را نه یک پیروزی، بلکه نماد شکست استراتژیک واشینگتن در قرن ۲۱ می‌داند.

وی در این تحلیل که در فضای یوتیوب منتشر شده تأکید می‌کند که سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران نه بر اساس منافع ملی مردم آمریکا، بلکه بر اساس منافع مجتمع‌های نظامی و اندیشکده‌های تأمین مالی شده توسط آن‌ها پیش می‌رود که از تداوم بحران سود می‌برند.

ساکس معتقد است که دوران «هژمونی مطلق آمریکا» که پس از فروپاشی شوروی آغاز شده بود، به پایان رسیده است. او استدلال می‌کند که دهه‌ها تحریم علیه ایران، نه تنها باعث تسلیم این کشور نشد، بلکه نتیجه معکوس داد و باعث تقویت ائتلاف‌های جایگزین شد و ایران به سمت چین، روسیه و پیمان‌هایی مثل بریکس (BRICS) و شانگهای سوق داده شد. از طرفی به کاهش نفوذ دلار منجر شد و فشار مالی بر ایران، انگیزه‌ای برای کشورهای دیگر ایجاد کرد تا سیستم‌های مالی موازی ایجاد کنند که عملاً کارایی اهرم فشار آمریکا (دلار) را در بلندمدت از بین می‌برد.

پس از ۱۱۰ روز جنگ و درگیری، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، و مسعود پزشکیان، رییس‌جمهور ایران، یک یادداشت تفاهم ۱۴ بندی امضاء کردند که چارچوبی برای پایان دادن به خصومت‌ها، بازگشایی تنگه هرمز، رفع محدودیت‌های کلیدی بر صادرات نفت ایران و تضمین جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای توصیف شده است.

این توافق که بامداد ۲۸ خرداد امضاء شد، قرار است پلی برای رسیدن به یک توافق گسترده‌تر باشد که طی ۶۰ روز آینده درباره آن مذاکره خواهد شد. حامیان این تفاهم آن را پیشرفتی مهم در یکی از پرتنش‌ترین روبرویی‌های جهان می‌دانند. منتقدان اما تردید دارند که رهبران حکومت ایران بتوانند یا بخواهند تعهدات مندرج در این سند را اجرا کنند.

اکنون هر طرف می‌کوشد دیگری را وادار به پذیرش خواسته‌های خود کند، شرایط متفاوت است. در چنین وضعی باید بتوان ظرف ۶۰ روز تشخیص داد که آیا همکاری واقعی امکان‌پذیر است یا نه.

در پایان باید تاکید کنم که همان طوری که جنگ به ضرر مردم ایران و زیرساخت‌های اقتصادی این کشور منجر شد توافق بین آمریکا و جمهوری اسلامی، تنها سرکوب و سانسور، تهدید و ترور، زندان و اعدام مخالفین را تشدید خواهد کرد و باز هم سفره مزدبگیران خالی‌تر و کم‌رنگ‌تر خواهد شد. به نظر من، در چنین روندی اعتصاب بخش‌های مختلف کارگری، اعتراضات جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی، بازنشستگان، بیکاران، زنان و غیره و هم‌چنین علیه گرانی و تورم، دوباره اوج خواهد گرفت، زیرا این حکومت توانایی جواب‌گویی به نیازها و خواسته‌های اکثریت مردم را ندارد. آن‌ها به محیط زیست، بهداشت، آموزش، آب یا آلودگی اهمیت نمی‌دهند. منابع مالی‌شان صرف مداخله به عرصه نظامی‌گری، باندهای مختلف حکومتی، و باز هم حمایت از نیروهای نیابتی اختصاص خواهد یافت و باز هم همانند دوره برجام، چیزی عاید مردم ایران نخواهد شد. البته اگر جنگ مجدداً شعله‌ور نشود.

پس از لغو نشست هیات ایران و آمریکایی در سوئیس، اسماعیل بقایی گفت «در حال برنامه‌ریزی برای برگزاری یک نشست طی روزهای آینده هستیم.» در همین حال، آمریکا می‌گوید که اسرائیل و حزب‌الله لبنان بر سر یک آتش‌بس جدید توافق کردند. این آتش‌بس از ساعت چهار بعدازظهر جمعه به وقت محلی آغاز شد.

این که آیا تفاهم‌نامه‌ای که امضا شده به یک توافق نهایی و جامع منجر خواهد شد یا خیر، هنوز مشخص نیست. متن توافق برای هر دو طرف یک مهلت ۶۰ روزه تعیین کرده است، اما در عین حال تصریح شده که در صورت نیاز، این مهلت قابل تمدید خواهد بود. این موضوع می‌تواند نشان دهنده این باشد که هیچ یک از دو کشور چندان مطمئن نیستند که بتوانند در این بازه زمانی به یک توافق جامع‌تر دست یابند.

به این ترتیب، از همین حالا می‌توان حدس زد جنبش تفاهم‌نامه آمریکا و ایران، معیوب به دنیا آمده است که چندان امیدی به نتایج و بقا و رشد آن نیست.

جمعه بیست و نهم خرداد ۱۴۰۵ - نوزدهم ژوئن ۲۰۲۶